ف: ه
م ص
۱۳۸۰/۹/۲۱

تجلید شد
آستان قدس
کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

نام کتاب جامع عباسی
مؤلف متن شیخ بهایی محمد عاملی محشی
شارح ........ مترجم ........
تاریخ تحریر ........ نوع خط نستعلیق تعداد سطر ۱۴
جزء کتب فقه زبان فارسی عدد اوراق ۱۵۸
طول ۲۱/۷ عرض ۱۲/ شماره عمومی ۲۶۴۱۵
وقفی اهدایی بنیاد شهید تهران تاریخ خریداری وقف خریداری اردیبهشت ۷۸
ملاحظات ناقص الطرفین است

۱۶۰

اندازه نوشته: ۷/۵×۱۵

و احکام غصب کردن و توابع آن باب یازدهم در نکاح کردن
بدوام و متعه و تحلیل و ملک باب دوازدهم در طلاق و خلع و عتق
و داشتن زنان باب سیزدهم در شکار کردن و شروط آن
باب چهاردهم در ذبح حیوانات حلال و حرام آن باب
پانزدهم در آداب طعام خوردن و آب نوشیدن و رخت پوشیدن
باب شانزدهم در قضا پرسیدن و شروط آن باب هفدهم
در اقرار کردن و وصیت نمودن باب هجدهم در قسمت کردن
ترکه باب نوزدهم در حدودی که در شرع مقرر است [illegible]
زدن و زنا و لواطه و سحق و غیر آن باب [illegible] در بیان خونبهای
قتل آدمی و خونبهای قطع اعضای او و خونبهای زخمی که بر آدمی
زنند و خونبهای سگ شکاری و سگ گله و سگی که محافظت
باغ یا زراعت کند باب اول در بابی که تعلق بطهارت
دارد و در آن دو مطلب است مطلب اول در بیان طهارتی
که احتیاج به نیت دارد و این طهارتها یا نیت یا نجاست

و احکام غصب کردن و توابع آن باب یازدهم در نکاح کردن
بدوام و متعه و تحلیل و ملک باب دوازدهم در طلاق و خلع و عتق
و اشتن زنان باب سیزدهم در شکار کردن و شروط آن
باب چهاردهم در ذبح حیوانات حلال و حرام آن باب
پانزدهم در آداب طعام خوردن و آب نوشیدن و رخت پوشیدن
باب شانزدهم در قضا رسیدن و شروط آن باب هفدهم
در اقرار کردن و وصیت نمودن باب هجدهم در قسمت کردن
ترکه باب نوزدهم در حدودی که در شرع مقرر است
زدن و زنا و لواطه و سحق و غیر آن باب بیستم در بیان خونبهای
قتل آدمی و خونبهای قطع اعضای او و خونبهای زخمی که بر او زنند و خونبهای سگ شکاری و سگ گله و سگی که محافظت
باغ یا زراعت کند باب اول در بابی که تعلق بطهارت
دارد و دران دو مطلب است مطلب اول در بیان طهارتی
که احتیاج بنیت دارد و این طهارت را با آب ... نجا...

آب وضو و غسل است و طهارت بخاک تیمم است و در نماز
گذاردن گاهی وضو کافیست و احتیاج بغسل نیست و گاهی
غسل کافیست و احتیاج بوضو نیست و گاهی وضوی تنها و غسل
تنها کافی نیست بلکه غسل و وضو هر دو باید تا نماز صحیح باشد
و گاهی هم وضو و هم تیمم باید و گاهی هم غسل و هم تیمم باید
تا نماز صحیح باشد و گاهی در نماز گذاردن هیچیک از وضو
و غسل و تیمم احتیاج نیست اما جایی که در نماز گذاردن وضو کافیست
احتیاج بغسل نیست آن وقتیست که شخصی بخواب رفته باشد
یا بیهوشی او را دست داده باشد یا بول یا غایط یا باد از موضع
معتاد بیرون آمده باشد یا زن استحاضه قلیله داشته باشد
چنانچه مذکور خواهد شد و اما جایی که غسل کافیست و احتیاج
بوضو نیست آن وقتیست که آدمی جنب باشد [illegible] غسل جنابت
بجای آورد نماز میتواند کرد و احتیاج بوضو نیست بلکه اکثر علما فرموده‌اند
[illegible] حیض با غسل [illegible] حرام است و اما جایی که در نماز گذاردن

۲

هم وضو باید ساخت و هم غسل آن وقتی است که زن از حیض پاک
بشود یا از نفاس یا استحاضه کثیره یا متوسطه داشته باشد
یا عضوی از اعضای آدمی بعضوی از اعضای میت آدمی برسد
به پنج شرط یکی آنکه میت سرد شده باشد دوم آنکه او را غسل
نداده باشند سیم آنکه شهید نباشد که شهید را غسل دادن جایز
نیست و اگر بدن کسی به بدن او برسد بر آن کس غسل واجب نمیشود
چهارم آنکه آن عضو که بهم رسند حیات داشته باشند یعنی
مثل ناخن و استخوان و مو نباشد پنجم آنکه میت در حال حیات
واجب القتل نشده باشد و خود را غسل میت نداده باشد که اگر
واجب القتل باشد بحسب شرع بر او واجبست که خود را غسل میت
دهد و چون او را بکشند غسل دادن او لازم نیست و اگر بدن شخصی
ببدن او برسد بر آن شخص غسل واجب نمیشود و اما جایی که هم وضو
باید ساخت و هم تیمم تا نماز صحیح باشد آن وقتیست که زن از حیض
یا از نفاس پاک شده باشد یا استحاضه کثیره یا متوسطه داشته باشد

یا شخصی مس میت کرده باشد و آنقدر آب یافت شود که وضو را
کافی باشد و بس و درین صورت تیمم بدل غسل باید کرد و وضو نیز
بجا باید آورد تا نماز صحیح باشد و اما جائی که هم غسل باید کرد
و هم تیمم آن وقتیست که یکی از انجماعت آنقدر آب یابد که غسل را کافی
باشد و بس و درین صورت غسل باید کرد و تیمم بدل وضو تا نماز صحیح باشد
و اما جائی که احتیاج بهیچ یک از وضو و غسل و تیمم نیست
آن نماز میت است که احتیاج بآنها ندارد بلکه جنب و زن حایض
نماز جنازه میتوانند گذارد **فصل** آداب طهارتخانه رفتن
بیست و یک چیز است سه چیز واجب و پنج چیز [illegible] سنت
و هشت چیز مکروه و اما آن سه چیز که واجب است اول پوشانیدن
عورتین از نامحرم اما از طفل کوچک که تمیز نداشته باشد لازم نیست
دوم آنکه از قبله منحرف نشیند یعنی رو و پشت بقبله نکند سیم
مخرج بول را بآب مطلق طهارت دادن نه بآب مضاف مثل
گلاب و امثال آن و نه بکلوخ که آن مذهب سنیانست اما مخرج غائط را

که حوالی موضع بآن آلوده شده باشد بکلوخ و پنبه و امثال آن
طاهر میتوان گردانید هر چند که آب میسر باشد اما لازمست که
از سه نوبت کمتر نباشد و اگر چه بدو نوبت یا کمتر پاک شود و اگر
حوالی موضع را آلوده کرده باشد پاک کردن حوالی آن بآب میباید و
بس و اما آن پنج چیز که حرامست اول مخرج غایط را بسرگین پاک کردن
هر چند سرگین از حیوانی باشد که گوشت آن حلالست دوم بچیزی
پاک کردن که خوردنی باشد مثل میوه و غیره سیم باستخوان پاک
کردن که آن نیز حرامست چهارم بچیزی پاک کردن که محترم باشد
مثل کاغذی که علم دین بر آن نوشته شده باشد و اگر بیکی ازین
سه چیز اول پاک کند طاهر میشود اما آن فعل حرامست اما اگر بآخرین
پاک کند از روی استخفاف کافر میشود پنجم بدستی استنجا کردن
که در آن دست انگشتری باشد که نام محترم بر آن نقش کرده باشند
مثل نام یکی از ائمه علیهم السلام هر گاه گمان آن باشد که نجس

فصل و اما آن پنج چیز که سنت است اول آنست که در جایی

نشینند که هیچ کس او را نه بیند مثل گودال یا پس دیوار دوم آنکه
در وقت داخل شدن بطهارتخانه پای چپ خود را پیش کند و در
وقت بیرون آمدن پای راست را سیم آنکه در وقت طهارت
کردن سنگینی بدن خود را بر پای چپ اندازد چهارم آنکه سه نوبت
از مقعد تا بیخ ذکر مسح نماید و همچنین از بیخ ذکر تا سر حشفه و بعد از آن
سه نوبت ذکر را بیفشارد پنجم آنکه اول مقعد را طهارت دهد
و بعد از آن ذکر را [illegible] و اما آن هشت چیز که در وقت
طهارت کردن بفعل آوردن آن مکروهست اول روی خود یا پشت خود
بجانب آفتاب یا ماه کردن بعنوان [illegible]
تا بدیا بجانب باد کردن دوم بدست راست استنجا کردن
سیم بول کردن در زمین سخت که بیم آن باشد که قطرات بول
برگردد چهارم بول کردن در سوراخهای حیوانات مثل مورچه و مار
و امثال آنها پنجم طهارت گرفتن در شارع و در جایی که مردم
آنجا جمع میشوند و در جایی که مردم آب از جوی بر میدارند

ششم طهارت کردن در زیر درختی که میوه داشته باشد یا میوه
خواهد داد هفتم طهارت کردن در آب خواه روان باشد و خواه
ایستاده هشتم حرف زدن در وقت طهارت کردن مگر یکی از
چهار چیز اول ذکر خدای تعالی دوم آیة الکرسی سیم حکایت اذان
یعنی هرچه موذن گوید اینکس بگوید چهارم امر ضروری باشد که
اگر حرف نزند آن امر فوت شود و بدانکه طهارت یا موقوفست
بر نیت قربت و بی آن صحیح نیست یا احتیاج به نیت قربت ندارد
و بی آن صحیح است نوع اول طهارت حقیقی است و آن وضو و غسل
و تیمم است و نوع دوم ازاله نجاست است و احکام نوع اول در سه
مقصد مبین میشود مقصد اول در بیان احکام وضو بدانکه پنجاه
چیز است که تعلق بوضو ساختن دارد از آنجمله بیست و یک امر واجبست
و بیست امر سنت و نه امر مکروه اما بیست و یک امری که واجبست
اول آنکه مکان وضو یعنی آنچه در وقت وضو ساختن بر آن قرار
گیرد غصبی نباشد پس اگر در زمین غصبی وضو سازد وضو باطل است

وهمچنین بر فرش غصبی وضو ساختن باطل است اگرچه زمین غصبی نباشد
اما در جامهٔ غصبی وضو درست است اگرچه نماز درست نیست و در کفش
غصبی وضو جایز نیست اگر بر آن کفش قرار گرفته باشد و وضو از آفتابهٔ
نقره یا طلا درست است اگر در دست بریزند اما آن فعل یعنی ریختن آب
از آن آفتابه در دست که رو یا دستها را با آن بشویند حرام است
دوم میباید که آب وضو طاهر باشد و مشتبه با آب نجس نباشد
پس اگر دو کاسه آب بوده باشد و یکی از آنها نجس باشد و ما
ندانیم که نجس کدام است از هیچیک وضو ساختن جایز نیست
و تیمم لازم است و اگر با آب یک کاسه از این دو کاسه وضو سازد
و با آن کاسهٔ دیگر اولا اعضای خود را طهارت دهد و بعد از آن به تتمهٔ
آن آب وضو سازد بعضی گمان برده اند که از این دو وضو یکی درست
خواهد بود اگرچه با آن شخص دست و رو و پای خود را طهارت ندهد نماز
نمیتواند گذارد اما این گمان باطل است و حق آنست که هیچیک
از این دو وضو درست نیست به جهت آنکه مشتبه به نجس حکم نجس دارد و وضو

بآن صحیح نیست و حدیث باین معنی از حضرات ائمه معصومین
صلوات الله علیهم منقولست [illegible] میباید که آب وضو مضاف
نباشد پس مثل گلاب یا عرق بید مشک وضو ساختن درست
نیست و این مذهب کل علماست مگر ابن بابویه که او وضو بگلاب
جایز میداند و این مذهب بغایت ضعیفست اما اگر دو [illegible]
باشد یکی آب ریگی گلاب بی بو و بیکدیگر مشتبه باشند و
آب دیگر نباشد درینوقت واجبست که از هر یک یک وضو بسازد
که یکی ازین دو وضو صحیح خواهد بود [illegible] میباید که آب وضو غصبی
نباشد [illegible] وضو با آب غصبی جایز [illegible] اگر غصبی است
و اگر شخصی نداند که آب غصبی است و از آن وضو سازد وضوی او درست است
و احتیاج بوضوی دیگر نیست اما بر او لازمست که اگر آن آب قیمتی
داشته باشد [illegible] آن را بصاحب بسازد و اگر داند که آب غصبی است مسئله
[illegible] نداند که با آب غصبی وضو جایز نیست و وضو بآن آب بسازد آن وضو
[illegible] میباید که اعضای وضو پاک باشد پیش از وضو

ساختن پس اگر دست مثلا نجس باشد یک شستن از برای ازاله نجاست
و وضو کافی نیست بلکه اول ازاله نجاست باید کرد و بعد از آن بجهة
وضو باید شست نیت وضوست و نیت چنین کند که وضوی
واجب میسازم از برای مباح بودن نماز تقرب بخدا و اگر بجای
مباح بودن نماز رفع حدث گوید هم درست است و این نیت را
بهر زبانی که گوید جایز است و اگر بزبان نگوید و همین معنی را
در دل بگذراند وضو صحیح است مقارن داشتن نیت است با
ابتدای شستن رو شستن روست و آن از رستنگاه
موی سر است تا آخر زنخ در طول و آنچه انگشت مهین و میانین
آن را فرا گیرد در عرض و آنچه از رو در زیر محاسن باشد و بهیچ وجه
نمایان نباشد لازم نیست که شسته شود و شستن مو کافیست
اما آنچه در بعض اوقات مینماید شستن آن واجبست و آنچه از محاسن
از زنخ گذشته باشد شستن آن واجب نیست شستن دست
است از مرفق تا سر انگشتان و اگر شخصی دست زیاده داشته باشد

باشد وزاید از اصلی معلوم نباشد واجبست که هر دو را بشوید

واگر دست زاید معلوم باشد پس اگر زیر مرفقست باید شست

واگر بالای مرفق است شستن آن لازم نیست شستن دست

چپ است بطریق دست راست مسح موی سر که بالای

پیشانیست یا جای آن اگر مو آنجا نباشد مسح پای

راست از سر انگشتان تا بند پای مسح پای چپ

بهمان طریق آنکه سر مسح بتری وضو باشد نه بآب تازه

پس اگر بر دست تری وضو باقی نباشد از موی ریش یا ابرو فرا گیرد

موالات یعنی پی در پی بجا آوردن

افعال وضو پس اگر روی خود را بشوید و بعد از لمحه دست راست را بشوید

فعل حرام کرده اما وضوی او درست است اما اگر آنقدر صبر کند

که روی خشک شود و بعد از آن دست راست را بشوید وضوی او باطل است

وهمچنین در باقی اعضا ترتیب وضوست بطریقی که مذکور شد

پس اگر دست چپ را پیش از دست راست بشوید واجبست که دست

است را نوبت دیگر بشوید و بعد از آن دست چپ را و در مسح
پا بعضی از مجتهدین جایز داشته اند که پای چپ را اول مسح کند
بعد از آن پای راست را ... آنکه با نیت قربت چیزی
دیگر قصد نکند مثل خنک شدن اعضا یا چرک از دست بر طرف
کردن ... آنکه در شستن رو و دستها از بالا گرفته بزیر آید
پس اگر بعکس کند وضو باطل است اما سید مرتضی عکس را جایز میداند
و باقی مجتهدین با او موافقت نکرده اند ... آنکه خود افعال
وضو را بجا آورد پس اگر شخصی دیگر آب بر روی او بریزد آن وضو
باطل است مگر آنکه شل باشد یا بیمار و قوت آن نداشته باشد
که افعال وضو را بجای آورد در این صورت واجبست که شخصی را بفرماید که
او را وضو دهد و اگر آن شخص مزد خواهد واجب است مزد با و دادن
اگر قادر بر آن باشد ... آنکه آب وضو بر رو و دستها روان شود
پس اگر دست را تر سازد و بر رو و دستها مالد وضو درست نیست
... تخلیل نمودن آنچه مانع رسیدن آب باشد مثل انگشتر و

که تنگ باشد پس باید که آنرا حرکت دهد تا آب بزیر آن برسد
واما آن بیست امری که در وضو سنت است
آنکه چون خواهد که شروع در وضو نماید این دعا بخواند بسم الله
وبالله اللهم اجعلنی من التوابین واجعلنی من المتطهرین
آنکه سر کاسه ظرف سرگشاده مثل کاسه و طاس و امثال
آن وضو سازد باید که قبل از آنکه دست بران ظرف کند سر دو دست را
از بند دست یکنوبت بشوید اگر خواب یا بول کرده باشد و دو نوبت
بشوید اگر غایط کرده باشد آنکه ظرف سرگشاده در جانب
راست گذارد آنکه آبرا از ان ظرف بدست راست بردارد
آنکه سه نوبت مضمضه کند بسه کف آب آنکه سه نوبت
استنشاق کند آن نیز بسه کف آب مسواک کردن
اگرچه بانگشت باشد آنکه در وقت وضو ساختن رو
بجانب قبله کند آنکه رو را بدست راست بشوید
آنکه مسح سر بمقدار عرض سه انگشت باشد آنکه بکل کف

دست مسح بنماید دوم آنکه آب وضو مقدار یک مد باشد
وآن چهار یک صاعست و صاع بوزن پنجاه و شش هزار و یکصد و
شصت جو متوسط است پس مد بوزن چهارده هزار و چهل جو متوسط است
سیوم آنکه وقت مضمضه کردن این دعا بخواند اللّٰهمّ لقّنی
حجّتی یوم القاك وانطق لسانی بذکرك چهارم
آنکه نزد استنشاق کردن این دعا بخواند اللّٰهمّ لا تحرمنی
طیّبات الجنّة واجعلنی ممّن یشمّ ریحها وروحها وریحانها
پنجم آنکه نزد شستن رو این دعا بخواند اللّٰهمّ بیّض
وجهی یوم تسودّ فیه الوجوه ولا تسوّد وجهی یوم تبیضّ فیه
الوجوه ششم آنکه وقت شستن دست راست این دعا بخواند
اللّٰهمّ اعطنی کتابی بیمینی والخلد فی الجنان بیساری
وحاسبنی حسابا یسیرا هفتم آنکه در وقت شستن
دست چپ این دعا بخواند اللّٰهمّ لا تعطنی کتابی بشمالی
ولا من وراء ظهری ولا تجعلها مغلولة الی عنقی واعوذ

بِكَ مِنْ مُقَطَّعَاتِ النِّيرَانِ ـ آنکه در وقت مسح سر
این دعا بخواند اللَّهُمَّ غَشِّنِي بِرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَعَفْوِكَ ـ
آنکه در وقت مسح پا این دعا بخواند اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى الصِّرَاطِ
يَوْمَ تَزِلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ وَاجْعَلْ سَعْيِي فِيمَا يُرْضِيكَ عَنِّي يَا
ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ـ آنکه چون از وضو فارغ
شود این دعا بخواند اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَمَامَ الْوُضُوءِ وَتَمَامَ
الصَّلَاةِ وَتَمَامَ رِضْوَانِكَ وَالْجَنَّةَ امینت آن بیست و چهار
که در وضو سنت است و بدانکه جمعی از مجتهدین را مذهب آنست
که رو و دستها را در وضو دو نوبت باید شست نوبت اول
و نوبت دوم سنت اما شیخ ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی و شیخ محمد
بن بابویه را مذهب آنست که نوبت دوم سنت نیست و این مذهب
بسیار قوت دارد و در کتاب مشرق الشمسین و کتاب حبل المتین
ن این شده بنابرین باید که رو و دستها را زیاده بر یک نوبت
نشوید که اگر دو نوبت بشوید آب نوبت دوم آب وضو نخواهد بود

پس مسح سر و پا بآب تازه خواهد شد و وضو باطل خواهد بود فصل
واما آن نه چیز که بفعل آوردن آن در وضو مکروهست اول استعانت
نمودن یعنی دیگری آب در کف دست اینکس بریزد که اینکس روی
خود و دستهای خود را بشوید اما اگر آب وضو را بر رو یا بر دست اینکس
بریزد بغیر ضرورت آن وضو صحیح نیست دوم وضو ساختن با آبی
که بآفتاب گرم شده باشد سیم وضو ساختن از ظرفی که بر آن صورت
حیوانی نقش شده باشد چهارم وضو ساختن از ظرف که نقره کوب
یا طلاکوب باشد پنجم وضو ساختن در مسجد از حدثی که غیر باد
و خواب باشد اما از حدث باد و خواب در مسجد وضو ساختن مکروه نیست
ششم وضو ساختن با آبی که رنگ یا بوی آن تغییر یافته باشد به آن
بغیر نجاست هفتم آب وضو را خشک کردن بجز و یا کی یا بآفتاب یا بغیر آن
هشتم وضو ساختن با بی که سؤر حیوانی باشد که خوردن گوشت
آن حرامست هرگاه آن حیوان طاهر باشد مثل باز و گربه و میمون
نهم وضو ساختن با بی که سؤر حیوانی باشد که خوردن گوشت آن مکروه

خواه کراهت شدید مثل اسپ و خواه کراهت قلیل مثل اسب

فصل وضو جهة سه چیز واجبست و جهة بیست چیز سنت اما آن

سه چیز که وضو جهة آنها واجبست اول نماز که نماز بی وضو درست

نیست مگر در نماز میت که آنرا بی وضو میتوان گذارد چنانکه گذشت

بلکه جنب و زن حیض دار نیز نماز میت میتوانند گذارد هرچند قدرت

بر غسل داشته باشند دوم طواف خانه کعبه هرگاه طواف واجب

باشد اما طواف سنت را بی وضو میتوان کرد سیم عضوی

از اعضا را بخط مصحف رسانیدن یعنی حرفهای آن و آنچه قایم

مقام حرفست مثل تشدید و همزه بشرط آنکه آن عضو حس داشته

باشد پس ناخن و موی خود را بی وضو بخط قرآن میتوان رسانید

و اما آن بیست چیز که وضو ساختن جهة آنها سنت است

اول قرآن خواندن دوم مصحف برداشتن سیم در آمدن بمسجد

چهارم نماز میت گذاردن پنجم سعی در حاجت خود یا حاجت

مومنی نمودن ششم زیارت قبر مومن کردن هفتم اگر شخصی خواهد

که خواب کند سنت است که اول وضو بسازد بتخصیص اگر آن شخص
جنب باشد ششم اگر شخصی محتلم شده باشد و خواهد که مجامعت کند
سنت است که اول وضو بسازد تا ایمن شود از دیوانه بودن فرزندی
که ازین جماع بهم رسد هفتم اگر خواهد که زن آبستن را مجامعت کند
اول وضو باید ساخت تا ایمن شود از آنکه فرزندی که ازین جماع بهم رسد
بی‌فهم و بخیل باشد هشتم اگر میت را غسل داده باشد و خواهد که
مجامعت کند یازدهم اگر زن حیض داشته باشد سنت است که در وقت
هر نماز وضو بسازد و مشغول ذکر خدا باشد دوازدهم اگر از شخصی مذی
بیرون آید و آن آبی چسبنده است که از ملاعبت زنان بهم میرسد
سیزدهم اگر از شخصی ودی بیرون آید و آن آبیست غلیظ که بعد از بول
بیرون می‌آید چهاردهم اگر مرد دست بفرج زن رساند پانزدهم
شخصی را رعاف بهم رسیده باشد شانزدهم اگر شخصی قی کند
و او را از آن قی کردن کراهتی بهم رسد هفدهم اگر دندان خود را
خلال کند و از آن خلال کردن خون بیرون آید و از آن کراهتی بهم رسد :

تنبیه اگر شخصی وضوی ناقص بواسطه ضرورتی کرده باشد
مثل وضوی جبیره یا تقیه یا بجهت بیماری شخصی دیگر او را وضو داده
باشد یا بجهت تعجیل قافله بر موزه یا چاخشور مسح یا کرده باشد
و بعد از وضو ساختن عذر برطرف شود سنت است که نوبت
دیگر وضو بسازد فائده اگر شخصی یاده بر چهار بیت از شعر باطل
بخواند سنت است که وضو بسازد و شعر باطل آنست که مشتمل
بود بر مدح شخصی بصفتی چند که در آن شخص نباشد یا مشتمل باشد
بر هجو مؤمنی یا بر ترغیب مردم در امر حرام و امثال آن
[illegible] تجدید وضو یعنی اگر کسی وضو داشته باشد
سنت است که یکبار دیگر وضو بسازد تنبیه سنت است
که دایم با وضو باشد [illegible] اگر شخصی میداند که وضو
ساخته اما شک دارد که بعد از وضو حدث کرده یا نه بر او وضو لازم
نیست بهمان وضو نماز میتواند گذارد و اگر داند که حدث کرده
اما شک دارد که بعد از آن وضو ساخته یا نه در این صورت لازمست که

وضو بسازد و اگر شخصی داند که از وی هم حدث واقع شده و هم وضو
اما نداند که کدام یکی پیشتر است برین شخص نیز لازمست که وضو
بسازد مقصد دوم در بیان احکام غسل بدانکه غسلهای مشهور چهل و
شش غسل است شش غسل واجبست و چهل غسل سنت اما شش
غسل واجب اول غسل جنابت دوم غسل حیض سیم غسل استحاضه
متوسطه و کثیره که بعد ازین بتفصیل مذکور خواهد شد چهارم غسل نفاس
پنجم غسل مس میت ششم غسل دادن میت و اما چهل غسل سنت اول
غسل جمعه است و آنرا از طلوع فجر روز جمعه تا پیشین به نیت ادا بکند
و از پیشین جمعه تا وقت شام روز شنبه به نیت قضا و اگر شخصی ترسد
که روز جمعه او را مانعی از غسل بهم رسد در روز پنجشنبه و شب جمعه به نیت
تقدیم بجای آورد و هر یک از ادا و قضا و تقدیم هر چند به پیشین جمعه
نزدیکتر باشد ثواب آن بیشتر است دوم غسل شبهای افراد ماه
رمضان یعنی شبهائی که در شماره طاق است مثل اول و سیم
و پنجم و در شب بیست و سیم دو غسل سنت است یکی اول شب و یکی

آخر شب سیم غسل شب عید ماه رمضان چهارم غسل روز عید
رمضان پنجم غسل روز عید قربان ششم غسل شب نیمه رجب
هفتم غسل شب نیمه شعبان هشتم غسل روز مبعث و آن بیست و
هفتم ماه رجب است نهم غسل روز مولود حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله و آن هفدهم ماه ربیع الاول است دهم غسل روز مباهله است
و آن بیست و چهارم ماه ذی حجه است یازدهم غسل روز دحو الارض است
و آن بیست و پنجم ماه ذی قعده است دوازدهم غسل روز عید غدیر که هجدهم
ماه ذی حجه است سیزدهم غسل روز عرفه است چهاردهم غسل روز
ترویه که هشتم ماه ذی حجه است پانزدهم غسل روز نوروز است
شانزدهم غسل احرام حج است هفدهم غسل احرام عمره است
هجدهم غسل طواف کعبه است نوزدهم غسل زیارت هر یک
از چهارده معصوم علیهم است بیستم غسل توبه است چه هر گاه
شخصی از گناه توبه نماید سنت است که بعد از توبه کردن
غسل کند بیست و یکم غسل جهة داخل شدن حرم مکه بیست و دوم

غسل جهة داخل شدن مکه بیست و سیم غسل جهة داخل شدن مدینه
بیست و چهارم غسل جهة داخل شدن مسجد الحرام بیست و پنجم غسل جهة
داخل شدن مسجد مدینه بیست و ششم غسل جهة داخل شدن خانه
کعبه بیست و هفتم غسل جهة طلب حاجت بیست و هشتم غسل جهة استخاره
کردن بیست و نهم غسل دادن فرزندان وقت که زاییده میشود
سی ام غسل نمودن هرگاه خواهند که بنماز باران روند سی و یکم
غسل نمودن شخصی که عمدا ترک نماز کسوف یا خسوف کرده باشد
بشرط آنکه تمام قرص آفتاب یا ماه گرفته شده باشد سی و دوم
اگر شخصی را از حلق کشیده باشند و شخصی بعد از سه روز بقصد دیدن
او برود و او را ببیند سنت است که غسل کند سی و سیم اگر شخصی
مس میت کند بعد از آنکه او را غسل داده باشند سنت است
که غسل کند سی و چهارم اگر وزغه یعنی چلپاسه را بکشد بعد از
کشتن آن غسل سنت است سی و پنجم اگر شخصی غسل یا قضی
کرده باشد بواسطه ضرورت مثل جبیره یا تقیه یا دیگری او را غسل

داده باشد سنت است که چون ضرورت برطرف شود بوبت
دیگر غسل کند سی و ششم اگر شخصی غسل کرده باشد و شک کند
که بعد از آن امری که موجب غسل باشد ازو صادر شده یا نه سنت
است که نوبت دیگر غسل کند سی و هفتم غسل جهة رمی جمرات حج که بعد ازین
ذکر خواهد شد سی و هشتم اگر شخصی دیوانه بوده باشد و بهوش آید
سنت است که غسل کند سی و نهم غسل جهة کفن کردن میت
چهلم اگر شخصی جنب بمیرد سنت است که او را غسل جنابت بدهند
قبل از غسل میت فصل سی و چیز است که در غسل معتبر است هفده
واجب و یازده سنت اما آن هفده چیز که واجب است اول آنکه
مکان غسل غصبی نباشد دوم آنکه آب غسل طاهر باشد سیم
آنکه مضاف نباشد مثل گلاب و غیره چهارم آنکه غصبی نباشد
اما اگر نداند که آب غصبی است و با آن آب غسل کند و بعد از آن ظاهر شود
که آب غصبی بوده آن غسل صحیح است و احتیاج بغسل دیگر نیست
پنجم آنکه هر عضوی از اعضا طاهر باشد قبل از آنکه آب غسل